

## چرا امام حسن (ع) صلح نمود

و

### امام حسین [ع] قیام کرد؟

تجزیه و تحلیلی درباره اوضاع و شرایط متفاوت زندگی  
امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که روشنگر  
اسرار آن صلح؛ و این جهاد است

صحیح سیاست اسلامی بفهمند، جلوگیری می‌کرد. گرچه او عملاً اسلام را تحریف نموده حکومت اشرافی اموی را جایگزین خلافت ساده و بی پایه اسلامی می‌نمود و جامعه اسلامی را به يك جامعه غیر اسلامی تبدیل می‌کرد، ولی با وجود اینها ظواهر اسلام را حفظ می‌کرد، مقررات اسلامی را ظاهراً اجرامی نمود، پرده‌ها را نمیدرید و در دربارش پاره‌ای از مقررات اسلامی مراعات می‌شد و نمی‌گذاشت ظاهراً رنگ اسلامی جامعه، عوض شود و بخوبی در کم می‌کرد که چون بنام دین و خلافت اسلامی حکومت می‌کند، نباید علناً مرتکب کارهایی بشود که مردم، آن را مبارزه بادین- همان

بحتهای پیشین، فلسفه صلح امام مجتبی (ع) را روشن ساخت ولی اینجا جای سؤال باقی است و آن اینکه چرا امام حسن (ع) صلح کرد و امام حسین (ع) قیام نمود؟ اگر صلح کار درستی بود، چرا امام حسین (ع) با یزید صلح نکرد؟ پاسخ این سؤال را باید در اوضاع و شرایط متفاوت زندگی ایسن دو امام بزرگ و نحوه رفتار و شخصیت معاویه و یزید جستجو کرد. زیرا معاویه در دوران زمامداری خود با نقشه‌ها و سیاستهای عوام فریانه خود؛ همواره سعی میکرد به حکومت خود رنگ شرعی و اسلامی بدهد، او از اینکه افکار عمومی، انحراف او را از خط سیر

علی (ع) پس از شهادت برادر بزرگوار خود، در مدت ده سال آخر حکومت معاویه یعنی تقریباً از سال ۵۰ تا ۶۰ هجری قیام نکرد، بلکه در انتظار فرصت مناسب روزشماری مینمود و به آماده ساختن افکار عمومی اکتفا می ورزید، زیرا اگر در این زمان قیام می فرمود، معلوم نبود بازتاب آن در جامعه اسلامی چگونه خواهد بود و در افکار عمومی چگونه انعکاس خواهد یافت؟

### یزید؛ چهره منقور جامعه اسلامی:

اما این مطلب در مورد یزید درست برعکس بود زیرا یزید نه تنها پختگی و تدبیر و سیاست پدر را نداشت، بلکه با آئین اسلام نیز که می خواست سپاس آن بر مردم حکومت کند، ارتباط چندانی نداشت.

### یزید بر اساس تعلیمات مسیحیت پرورش یافته بود و یا حداقل به مسیحیت تمایل داشت (۱)

یزید جوانی ناپخته، شهوت پرست، خودسر، و فاقد دورانندیشی و احتیاط بود، او فردی بی خرد، منهور، خوشگذران و عیاش، و دارای فکر سطحی بود (۲)

یزید که پیش از رسیدن به حکومت، اسیر هوسها و پای بند تمایلات افراطی بود، بعد از رسیدن به حکومت نیز نتوانست حداقل مثل پدر ظواهر اسلام را حفظ کند و خود را ولو بصورت ظاهر، فردی دیندار و با ایمان معرفی کند، بلکه در اثر روح بی

دینی که وی بنام آن فرمانروائی می کرد - تلقی نمایند بلکه همیشه به اعمال خود رنگ دینی میداد تا با مقامی که داشت، سازگار باشد و آن دسته از کارها را که توجیه و تفسیر آن طبق موازین دینی، مقدور نبود، درخفا انجام می داد.

بعلاوه، معاویه در حل و فصل امور و مقابله با مشکلات، سیاست فوق العاده ماهرانه ای داشت و مشکلات را به شیوه های مخصوصی حل می کرد که فرندش یزید فاقد آن بود.

و همین دو موضوع پیروزی قیام و شهادت در زمان حکومت وی را مورد تردید قرار می داد، زیرا در این شرایط افکار عمومی در باره قیام و انقلاب ضد اموی داوری صحیح نمی کرد، و موج نفرت مردم نسبت به حکومت بنی امیه برانگیخته نمی شد، زیرا هنوز افکار عمومی به میزان انحراف معاویه، از اسلام، آشنا نبود، و به همین جهت مردم جنگ حضرت مجتبی (ع) را با معاویه بیشتر یک اختلاف سیاسی و کشمکش بر سر خلافت و حکومت به شماری آوردند، تا قیام حق در برابر باطل. شهادت در چنین شرایطی به مبادی و انگیزه های انقلاب و نهضت کمک نمی کرد، بلکه افکار عمومی درباره آن دستخوش اشتباه می گردید و حقیقت لوٹ می شد.

شاید به همین دلیل - و به دلیل صحنه گذاشتن حسین بن علی (ع) بر صلح امام حسن (ع) - حسین بن -

(۱) سمو المعنی فی سمولذات (بنقل پرتوی از عظمت حسین صفحه ۲۶۴).

(۲) انساب الاشراف بلاذری ج ۴ بخش دوم ص ۱ طبع بغداد، مروج الذهب ج ۳ ص ۷۷ طبع مصر،

پروائی و هوسبازی که داشت، علناً مقدسات اسلامی را زیر پا گذاشت و در راه ارضای شهوات خود از هیچ چیز فروگذار نکرد.

یزید علناً شراب می‌خورد و تظاهر به فساد و گناه می‌کرد، او وقتی در شب نشینها و بزم‌های اشرافی می‌نشست و به باده‌گساری می‌پرداخت؛ بی‌باکانه اشعاری می‌سرود که ترجمه آن چنین است:

«یاران هم‌پاله من! برخیزید و به نغمه‌مطربان خوش‌آواز گوش دهید! و پیاله‌های پی‌درپی را سراسر کشید، و بحث و مذاکرات علمی و ادبی را کنار بگذارید!»

نغمه دلپذیر ساز و آواز، مرا از ندای «الله! گمب» و شنیدن اذان باز می‌دارد و من حاضرم حوران بهشتی را با ته مانده خم شراب عوض کنم!!» (۱) و با این وقاحت، به مقدسات اسلامی توهین میکرد. او گرایش خود را نسبت به مسیحیت کتمان نمی‌کرد، بلکه علناً می‌گفت:

فَإِنْ حُرِّمَتْ يَوْمًا عَلَىٰ دِينِ أَحْمَدَ

(۱) تذکرة الخواص این جوزی صفحه ۲۹۱ متن اشعار چنین است:

و اسمعوا صوت الاغانی  
و اترکوا ذکر المعانی  
عن صوت الاذان  
عجوزاً فی الدنان

معشر الندمان قوموا  
و اشر بواکاس مدام  
شغلتنی نغمة العیدان  
و تعوضت عن الحور

(۲) تمة المنتهی ص ۴۳ اگر شراب‌خواری در دین محمد (ص) حرام است تو آنرا بر دین مسیح بخور (البته حلال بودن شراب در آئین مسیح پنداری یش نیست و شراب در آئین واقعی مسیح، مثل اسلام تحریم شده است).

(۳) مروج الذهب ج ۳ ص ۷۷ طبع مصر.

(ع) مسائلی بود که وجهه عمومی حکومت بنی امیه رایش از پیش لکه دار ساخت و موقعت آنرا تضعیف نمود. این حوادث موجب همبستگی و فشرده‌گی هرچه بیشتر صفوف شیعیان و تقویت جبهه ضداموی شد و زمینه نهضت و انقلاب تا حد زیادی هموار گردید.

**دکتر «طه حسین»** دانشمند و نویسنده معروف مصری در این زمینه می نویسد :

« در اثر فشار حکومت معاویه در ده سال آخر حکومت وی، کار شیعیان بالا گرفت و دعوت آنها در شرق کشور اسلامی و جنوب مناطق عربی فوق العاده انتشار یافت بطوری که هنگام مرگ معاویه، عده بسیاری از مردم و مخصوصاً اهل عراق، بغض و عداوت بنی امیه و محبت اهل بیت را جزئی از دین خود می دانستند» (۱)

بدین ترتیب جامعه اسلامی بقدر کافی چهره حقیقی حکومت اموی را شناخته طعم تلخ شکنجه‌های آن را چشیده و از انواع ظلمها و تجاوزهای این حکومت و تضییع حقوق مسلمانان، آگاه شده بودند و ماسکی که این حکومت در ابتدای زمانداری معاویه بر چهره زده بود، کنار رفته مردم با قیافه اصلی آن آشنا شده بودند.

بامرگ معاویه ورشد و آگاهی جامعه اسلامی، تمام عواملی که در زمان معاویه مانع تحقق يك انقلاب پیروزمند بود، بر طرف شد و راه قیام بر ضد حکومت اموی کاملاً هموار گردید و در این هنگام بود که حسین بن-

میدیدند و همین رفتار یزید، در افکار عمومی، مجوز خوبی برای انقلاب و واژگون ساختن چنین حکومتی به شمار می رفت. در چنین شرایطی مردم قیام حسین بن علی (ع) را قیام فرزند پیامبر (ص) بر ضد حکومت باطل و به منظور حفظ اسلام تلقی میکردند نه اختلاف سیاسی یا کشمکش بر سر تصاحب خلافت و قدرت!

**جنبش نیرو می گیرد :**

عامل دیگر برای انقلاب و قیام حسین بن علی (ع) را باید بیداری افکار عمومی و افزایش نفوذ دعوت شیعیان، پس از صلح امام مجتبی (ع) دانست زیرا جنبشی که پس از امضای صلح، بر ضد حکومت اموی آغاز شده بود، روز بروز در حال گسترش و توسعه بود و بر نفوذ آن افزوده میشد.

سیاست معاویه نیز دانسته یا ندانسته موجب گسترش و نیرومندی این جنبش گردید، معاویه که پس از شهادت امام مجتبی (ع) میدان عمل را تا حدودی بلامانع می دید، بیش از پیش عرصه را بر شیعیان و پیروان امیر مؤمنان (ع) تنگ گرفت و از هیچگونه ظلم و ستم فروگذار نکرد.

تجاوزهای مکرر معاویه به حقوق مسلمانان، حملات و شبیخونهای پی در پی نظامیان خشن و ستم پیشه معاویه بر مناطق مختلف اسلامی، کشتن و آزار مردم بیگناه، نقض پیمان صلح، بیعت گرفتن برای ولیعهدی یزید بر خلاف مفاد صریح صلحنامه، و بالاخره مسموم ساختن امام مجتبی -

(۱) علی و بنوه ص ۱۹۷.

را تحمل کرد و با امضای قرارداد صلح ، و شناخت واقعیت‌های زمان ، بتدریج زمینه انقلاب را فراهم ساخت و افکار عمومی را آماده نمود و آنگاه که زمینه کاملا آماده شد ، حسین بن علی (ع) ابتکار عمل را بدست گرفت .

از این رومی توان گفت که: اگر حسین بن علی (ع) در شرایط برادر گرامی خود امام حسن (ع) قرار می‌گرفت ، همان کار را می‌کرد که امام حسن (ع) کرد ، و اگر امام حسن (ع) در زمان حسین بن علی (ع) بود ، برنامه او را در پیش می‌گرفت این دو امام بزرگ هر کدام با توجه به اوضاع و شرایط خاص زمان خود ، رسالت تاریخی خویش را انجام دادند ، برای اشاره به این حقیقت پیامبر اسلام (ص) درباره این دو فرزند عالی‌قدر خود می‌فرمود: **حسن و حسین دو پیشوای بزرگ اسلامند ؛ خواه صلح کنند و خواه نبرد و جهاد (۱) ؟**

علی (ع) ضربت قاطع را بر پیکر حکومت فاسد بنی‌امیه وارد ساخت و آن انقلاب بزرگ و بی‌نظیر را پی‌ریزی نمود .

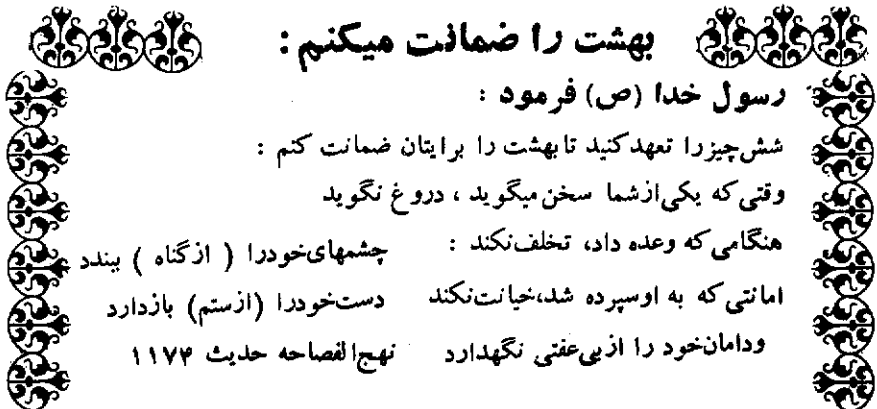
### نهضت الهام بخش :

انقلاب حسین بن علی (ع) تحول‌دانه‌داری در جامعه اسلامی بوجود آورد ، اوضاع را دگرگون ساخت و افکار عمومی را برضد حکومت بنی‌امیه شوراند و منشأ پیدایش نهضتها و انقلاب‌های بی‌دری و بزرگی مانند قیام تواین ، نهضت اهل مدینه ، قیام مختار ثقفی ، و انقلاب زید بن علی بن حسین و چندین نهضت و انقلاب بزرگ دیگر گردید .

ولی اگر همین انقلاب ، در زمان حضرت مجتبی (ع) و به وسیله آن حضرت عملی می‌گردید ، دارای چنین آثار بزرگ نمی‌شد .

حسین بن علی (ع) در واقع دنباله برنامه برادر ارجمند خود را گرفت زیرا حضرت مجتبی (ع) با کمال شهامت ، خردگی‌های کوفه فکران و عناصر افراطی

(۱) ارشاد مفید طبع قدیم ص ۲۱۵ ، ابن شهر آشوب در مناقب می‌نویسد: همه مسلمانان اتفاق دارند که پیامبر (ص) این حدیث را درباره حسین (ع) بیان فرموده است (ج ۳ ص ۳۹۴) - در تهیه و تنظیم این مقاله ، علاوه بر مدارک یادشده ، از کتاب «ارزیابی انقلاب حسین از دیدگاهی جدید» استفاده گردیده‌است -



## بهشت را ضمانت میکنم :

**رسول خدا (ص) فرمود :**

شش چیز را تعهد کنید تا بهشت را برایتان ضمانت کنم :

وقتی که یکی از شما سخن می‌گوید ، دروغ نگوید

هنگامی که وعده داد ، تخلف نکند :

چشمهای خود را ( از گناه ) بیند

امانتی که به او سپرده شد ، خیانت نکند

دست خود را ( ازستم ) بازدارد

ودامن خود را از بی‌عفتی نگهدارد

نهج‌القصاحه حدیث ۱۱۷۴